

تأثیر اندازه دولت بر بیکاری: بررسی منحنی آبرامز در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه

حبیب انصاری سامانی

استادیار اقتصاد گروه اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری دانشگاه یزد

(نویسنده مسئول)

Ha.ansarisa@gmail.com

ربابه خیل کردی

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه ولی عصر (ع) رفسنجان

r.Khilkordi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۰۷

چکیده:

هدف این مطالعه بررسی رابطه بین اندازه دولت و نرخ بیکاری بر اساس منحنی آبرامز است. برای این منظور از داده‌های سالانه ۲۰۱۳-۲۰۰۰ برای تعدادی از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه و روش اقتصادسنجی پانل دیتا و مدل تصحیح خطا استفاده شده است. نتایج حاصل از تخمین بلندمدت در هر دو گروه از کشورها حاکی از معنادار بودن رابطه اندازه دولت با نرخ بیکاری می‌باشد؛ این رابطه در کشورهای در حال توسعه منفی و معنادار است، یعنی کاهش بیکاری مستلزم افزایش اندازه دولت است. طبق نتایج تحقیق، در کشورهای توسعه‌یافته اندازه دولت با نرخ بیکاری رابطه مثبت و معنادار دارد که این نتیجه نشان می‌دهد منحنی آبرامز در کشورهای توسعه‌یافته برقرار است و برای کشورهای در حال توسعه تأیید نمی‌شود. همچنین نتایج مدل تصحیح خطا بیانگر آن است که در کشورهای در حال توسعه در هر دوره ۰,۰۷ عدم تعادل تعدیل شده و متغیر نرخ بیکاری به سمت تعادل بلندمدت حرکت خواهد کرد. ضریب تعدیل برای کشورهای توسعه‌یافته ۰,۱۷ به دست آمده است.

طبقه‌بندی JEL: E24, H11, C23, C22

واژه‌های کلیدی: نرخ بیکاری، اندازه دولت، منحنی آبرامز، داده‌های تابلویی، مدل تصحیح خطا.

۱. مقدمه

کار به عنوان فعالیتی سازنده از سوی انسان علاوه بر کسب درآمد برای تأمین نیازهای زیستی باید بتواند باقی نیازها را نیز ارضا کند. حس بی‌فایده‌گی، نرخ بالاتر طلاق، احتمال بیشتر اعتیاد به الکل و مواد مخدر در میان بیکاران برخی از اثرات منفی بیکاری به شمار می‌روند. بنابراین می‌توان گفت رابطه‌ای علی میان بیکار و بسیاری از گونه‌های آسیب‌های اجتماعی برقرار است (ابراهیمی ۱۳۹۰). یکی از اهدافی که دولت‌ها برای دستیابی به آن تلاش زیادی می‌کنند، کاهش بیکاری و رسیدن به سطح قابل قبولی از نرخ بیکاری می‌باشد که از شاخص‌های اصلی توسعه است، بنابراین آنچه که مهم است و در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود نقش و اندازه دخالت دولت بر نرخ بیکاری و بررسی منحنی آبرامز در اقتصاد کشورهای منتخب است. که برای اولین بار توسط آبرامز (۱۹۹۹) و پس از آن در مطالعات کریستوپلوس و توزیناس (۲۰۰۱) و کریستوپلوس و همکاران (۲۰۰۵) بررسی شد و نشان دادند که بین اندازه دولت و نرخ بیکاری در کشورهای توسعه‌یافته رابطه مثبت وجود دارد و این رابطه به منحنی آبرامز معروف شد.

مروری بر مطالعات گذشته نشان می‌دهد که تحقیقات انجام شده در حوزه رابطه میان اندازه دولت و بیکاری در ایران و جهان محدود است. از این رو تحقیق حاضر به دنبال پر کردن این خلأ تحقیقاتی و بررسی منحنی آبرامز، رابطه‌ی بین اندازه دولت و نرخ بیکاری در کشورهای منتخب می‌باشد. سؤالات این تحقیق بدین ترتیب است: ۱- آیا بین اندازه دولت و نرخ بیکاری رابطه معناداری وجود دارد؟ ۲- آیا منحنی آبرامز در دو گروه از کشورها توسعه‌یافته و در حال توسعه تأیید می‌شود؟ تجزیه و تحلیل این پژوهش به روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی پویا و برای داده‌های گردآوری شده طی سال‌های (۲۰۱۳-۲۰۰۰) انجام شده است. ۳- آیا رابطه بین اندازه دولت و بیکاری در اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه متفاوت است؟

پژوهش حاضر در پنج بخش ارائه می‌گردد، که در بخش اول مقدمه مطرح شد. در بخش دوم، ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق، در بخش سوم، تصریح مدل و الگوی تحلیلی، در بخش چهارم نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و در بخش پایانی نتیجه‌گیری و جمع‌بندی پژوهش بیان می‌شود.

۲. ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

بحث در مورد حدود و میزان دخالت دولت در اقتصاد از مباحثی بوده که در مکاتب مختلف اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته و به اقتضای زمان با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای مختلف، هر کدام از نظریه‌ها در دوره زمانی خاصی مقبول و مورد استفاده بوده‌اند. بعنوان نمونه، بعد از جنگ جهانی دوم، در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته نظریه‌ای رایج گردید که بر طبق آن می‌بایست مخارج دولتی و در کل دخالت دولت افزایش یافته و همراه با آن ابعاد بخش دولتی نیز گسترش یابد. توجیه این نظریه این بوده است که برای رسیدن به پاره‌ای از اهداف خاص اقتصادی و اجتماعی، بهترین راه ممکن حضور دولت در اقتصاد است. این نظریه بعنوان تفکر غالب که ناشی از نظریات و اندیشه‌های کینز بود تا اواخر سال‌های دهه ۱۹۶۰ میلادی مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت (نظری، ۱۳۸۷). اما از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد، با وقوع پدیده رکود تورمی اعتبار چنین نظریه‌ای مورد تردید قرار گرفت که بیشتر به دلیل آثار سوء تأمین مالی مخارج دولت بود و این ایده با حمایت ایده قدیمی کلاسیکی رواج پیدا کرد که هر نوع افزایش در هزینه‌های دولتی به طور کلی منجر به تضعیف متغیرهای رفاهی اقتصاد از جمله تولید و اشتغال و تورم می‌گردد. در کشورهای در حال توسعه، وظیفه سازماندهی مجدد ساختار اقتصادی و حصول به رشد سریع‌تر، امری به مراتب مهم‌تر از آن قلمداد می‌گردد که به یک بخش خصوصی غالباً در شرف ایجاد، واگذار شود. عده‌ای از اقتصاددانان حاضر به قبول بدون شرط کارایی بخش خصوصی نیستند و طرفدار مداخله دولت، آن هم با درجات مختلف می‌باشند (قاسمی بیسه، ۱۳۹۰). حضور دولت در اقتصاد باعث اثر گذاری بر متغیرهای کلان اقتصادی می‌گردد. یکی از متغیرهایی که اندازه دخالت دولت در اقتصاد می‌تواند بر آن اثر گذار باشد اشتغال و به تبع آن نرخ بیکاری است.

۲-۱. اندازه دولت - نرخ بیکاری

با وجود اینکه شواهد زیادی برای حمایت از این ایده که اندازه دولت اثر منفی بر نرخ رشد تولید می‌گذارد وجود دارد مثلاً بارو^۱ (۱۹۹۱)، اسکالی^۲ (۱۹۸۹) و رازولینی و شوگارت^۳ (۱۹۹۷)، اما تحقیقات در مورد رابطه بین بیکاری و اندازه دولت بطور کامل

1. Barro

2. Scully (1989)

3. Razzolini and Shughart

مشخص نیست (کریستوپولوس و همکاران، ۲۰۰۵). آبرامز (۱۹۹۹) داده های ۲۰ کشور عضو OECD را در طول دوره ۱۹۸۴-۱۹۹۳ مورد بررسی قرار داد و نتایج تحقیق وی به قدرت وجود یک رابطه مثبت را بین این دو متغیر نشان داد. پس از آن این رابطه با عنوان منحنی آبرامز شناخته شد. کریستوپولوس و سیونانس^۱ (۲۰۰۱) نیز با در نظر گرفتن کشورهای عضو اتحادیه اروپا در طول دوره ۱۹۶۱-۱۹۹۹ وجود منحنی آبرامز را تایید کردند.

تعیین تمام کانال‌هایی که از طریق آن امکان تأثیرگذاری برنامه‌های دولت بر بیکاری وجود دارد غیر ممکن به نظر می‌رسد. اما یکی از تأثیرات اندازه دولت، اثرگذاری روی بهره‌وری نیروی کار است؛ بدین معنی که دولت با افزایش سرمایه‌گذاری خود باعث افزایش یا کاهش بهره‌وری نیروی کار می‌شود (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳). اسکالی (۱۹۸۹) استدلال می‌کند که اثرات بیکاری، اندازه دولت و رشد اقتصادی را به هم مرتبط می‌سازد. همچنین بر اساس تئوری اقتصاد کلان، بزرگ‌تر شدن دولت اثر جانشینی جبری برای بخش خصوصی و به ویژه سرمایه‌گذاری خصوصی ایجاد می‌کند؛ در نتیجه پیشرفت تکنولوژی، رشد بهره‌وری و قدرت رقابت صنایع کاهش می‌یابند و از این رو موجب افزایش بیکاری می‌شود (السینا و پروتی، ۱۹۹۷). همچنین دولت بزرگ‌تر دخالت‌های وسیع‌تری در تمام زمینه‌ها و از جمله قوانین و مقررات بازار کار دارد که موجب اختلال در عملکرد بازار کار شده و می‌تواند منجر به بیکاری گردد (فلدستین و پوتربا^۲، ۱۹۸۴). دولت بزرگ، بیشتر از یک دولت کوچک تمایل به افزایش نرخ مالیات بر درآمد دارد که این امر تصمیم‌گیری کار و فراغت را برای هر دو فرد شاغل و بیکار تحت تأثیر قرار می‌دهد و انگیزه کار را تضعیف می‌نماید (سا^۳، ۲۰۱۱). مالیات بیشتر به معنی کاهش درآمد قابل تصرف خانوارها و با ثبات سایر شرایط به معنی کاهش تقاضا است. همچنین نرخ‌های بالاتر مالیاتی منجر به کاهش سوددهی سرمایه‌گذاری خصوصی می‌شود که هر دو منجر به افزایش بیکاری می‌شوند (آلسینا و همکاران^۴، ۱۹۸۴).

1. Christopoulos and Tsionas

2. Feldstein & Poterba (1984)

3. Sa (2011)

4. Alesina et al. (1984)

هال^۱، ۱۹۷۹) بیان می‌کند که به طور کلی نرخ بیکاری (U) به رابطه بلندمدت نرخ پیدا کردن کار (F) و نرخ از دست دادن کار (S) بستگی دارد. و معادله ساده شده آن با فرض حجم ثابت نیروی کار عبارت است از:

$$U = \frac{S}{S + F}$$

هرگونه افزایش در نرخ از دست دادن کار یا کاهش در نرخ پیدا کردن کار موجب افزایش نرخ بیکاری می‌شود. بدیهی است که دولت‌های مختلف با برنامه‌های خاص بر نرخ پیدا کردن و نرخ از دست دادن کار تأثیر می‌گذارند. بعنوان مثال فلدستین^۲ (۱۹۷۸) معتقد است که بیمه بیکاری، همچنین ارائه مراقبت‌های بهداشتی عمومی تأثیر بسزایی در نرخ پیدا کردن و نرخ از دست دادن کار دارند. کارگری که می‌داند مراقبت‌های بهداشتی بعد از ترک شغل همچنان ادامه پیدا می‌کند به احتمال زیاد تمایل به از دست دادن کار در او افزایش می‌یابد. این امر برای شخصی که کار سختی دارد، افزایش بیشتری می‌یابد (فلدستین و پوتربا، ۱۹۸۴). کاراس^۳ (۱۹۹۳) معتقد است که هزینه‌های مصرفی دولت در بخش‌های سرمایه‌ای و زیربنایی و همچنین انواع هزینه‌های سرمایه‌گذاری باعث افزایش بهره‌وری و تقاضای نیروی کار و همچنین افزایش عرضه نیروی کار می‌شود. این امر موجب می‌شود نرخ پیدا کردن کار افزایش و نرخ بیکاری کاهش یابد. اما همانطوری که آلسینا و پروتی (۱۹۹۷) بیان کردند، افزایش هزینه‌های مصرفی دولت در بخش‌های سرمایه‌ای و زیربنایی لزوماً موجب افزایش تقاضای نیروی کار نمی‌شود به ویژه هنگامی که امکان بیرون‌رانی در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی وجود داشته باشد. از سوی دیگر هزینه‌های دولت که به یک جزء ناکارا تبدیل شده خود سبب تخصیص نامناسب منابع و کاهش درآمد قابل تصرف فعالان اقتصادی و بخش خصوصی می‌گردد. از این رو آن‌ها در مورد مصرف و سرمایه‌گذاری خود عکس‌العمل نشان داده و آن را کاهش می‌دهند که این امر منجر به کاهش اشتغال و افزایش بیکاری می‌گردد (کریمی پتانلار و همکاران، ۱۳۹۴).

در مجموع می‌توان گفت که مبانی نظری مطرح شده اشاره به این دارند که اندازه دولت می‌تواند از کانال‌های مختلف، تاثیرات متفاوتی بر بیکاری گذارد. همچنین با توجه به اینکه نوع و میزان دخالت دولت و اثرات ناشی از آن بستگی به کیفیت و جایگاه دولت

¹. Hall (1979)

². Feldstein (1978)

³. Karras (1993)

در آن اقتصاد دارد، از این رو می‌توان اشاره نمود که شدت و نوع اثرات دولت بر اقتصادهای مختلف می‌تواند متفاوت باشد. از این رو می‌توان به عنوان یک سؤال مطرح نمود که آیا تأثیر دولت بر اشتغال در اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه متفاوت است؟

۲-۲. پیشینه تجربی تحقیق

سیدی و همکاران (۲۰۱۴) در مقاله‌ای به بررسی اثر اندازه دولت بر بهره‌وری نیروی کار در تعدادی از کشورهای عضو اوپک طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۹۰ پرداختند. آن‌ها بدین این منظور از روش پانل دیتا برای برآورد مدل استفاده کردند. نتایج نشان داده‌است که اثر اندازه دولت بر بهره‌وری نیروی کار از لحاظ آماری منفی و معنادار بوده است. همچنین نیروی کار بر بهره‌وری اثر منفی و سرمایه‌گذاری اثر مثبت و معنادار بر نیروی کار داشته است. اما آن‌ها پویایی‌های مدل را بررسی نکردند.

وانگ و آبرامز (۲۰۱۱) رابطه بین اندازه دولت و نرخ بیکاری را با استفاده از مدل تصحیح خطا بررسی کردند و نشان دادند که اندازه دولت پویایی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت نرخ بیکاری را توضیح می‌دهد. با استفاده از داده‌های ۲۰ کشور OECD در طول دوره زمانی ۱۹۷۰-۱۹۹۹ و پس از تصحیح تورش همزمانی، به این نتیجه رسیدند که اندازه دولت که توسط هزینه‌های دولت به شکل درصدی از GDP اندازه‌گیری می‌شود، نقش مهمی را در تعیین نرخ بیکاری مؤثر پایدار ایفا می‌کند. از آنجا که مطالعه ایشان تنها کشورهای OECD را بررسی کرد دلالتی برای تفاوت سطح توسعه ای کشورها ارائه نشد. سا (۲۰۱۱) به بررسی اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی و بیکاری برای ۳۲ کشور پیشرفته و ۱۵ کشور در حال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۰۶-۱۹۹۶ پرداخت. نتایج نشان داده است که اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه مثبت و برای کشورهای پیشرفته منفی است. همچنین اثر اندازه دولت بر نرخ بیکاری در هر دو گروه از کشورها معنادار و مثبت ولی متفاوت است. به این معنی که با یک درصد افزایش در اندازه دولت نرخ بیکاری در کشورهای پیشرفته ۰,۲۲٪ افزایش می‌یابد. در حالیکه با افزایش یک درصدی در اندازه دولت، نرخ بیکاری در کشورهای در حال توسعه ۰,۶۸٪ افزایش می‌یابد. آن‌ها پویایی‌های رابطه اندازه دولت و بیکاری و اثرات کوتاه مدت را بررسی نکردند.

کریستوپولوس، تازیناس^۱ (۲۰۱۰) منحنی آبرامز را برای ده کشور اروپایی در طول دوره ۱۹۹۹-۱۹۶۱ بررسی کردند. آن‌ها در این مطالعه از رابطه علیت که به خواص هم‌انباشتگی یا مانایی داده‌ها وابسته نیست استفاده کرد. نتایج حمایت‌کننده‌ی این ایده بود که وجود منحنی آبرامز تأیید می‌شود اما رابطه بین اندازه دولت و نرخ بیکاری به نظر می‌رسد که ساده نیست. آن‌ها تحلیلی برای تجزیه اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت را انجام ندادند.

فلدمن^۲ (۲۰۱۰) در مطالعه خود اندازه دولت و نرخ بیکاری در ۵۲ کشور در حال توسعه طی دوره ۲۰۰۳ - ۱۹۸۰ را مورد بررسی قرار داد. بدین منظور از روش علیت استفاده کرده است. نتایج رگرسیون نشان داد که اندازه بزرگ دولت احتمالاً بیکاری کشورهای در حال توسعه را افزایش خواهد داد. علاوه بر این نتایج تخمین نشان داده که یک بخش دولتی بزرگ به طور قابل توجهی سهم بلندمدت بیکاری نسبت به تعداد کل بیکار را افزایش داده است.

آبرامز و وانگ (۲۰۰۷) با استفاده از داده‌های تابلویی ۲۰ کشور عضو OECD در دوره زمانی (۱۹۷۰-۱۹۹۰) به بررسی رابطه میان اندازه دولت و نرخ بیکاری پرداختند که پویایی‌های کوتاه‌مدت و برآورد بلندمدت نرخ بیکاری را نیز توضیح می‌دهد. نتایج این پژوهش نشان داد که: ۱- افزایش اندازه دولت موجب افزایش نرخ بیکاری می‌شود. ۲- اندازه‌های مختلف دولت آثار متفاوتی بر نرخ بیکاری دارد. ۳- پرداخت‌های انتقالی و یارانه‌ها اثر قابل توجهی بر نرخ بیکاری دارند در حالی که خریدهای دولت اثر قابل ملاحظه‌ای بر نرخ بیکاری ندارند.

کریستوپولوس و همکاران^۳ (۲۰۰۵) رابطه بلندمدت بین اندازه دولت و نرخ بیکاری را بررسی کردند، منحنی آبرامز از داده‌های ده کشور اروپایی برای دوره زمانی ۱۹۶۱-۱۹۹۹ استفاده کرد. برای این منظور، از تجزیه و تحلیل هم‌انباشتگی پانل و روش برآورد پنل‌های ناهمگن استفاده شده است. نتایج این مطالعه بیانگر رابطه مثبت بلند مدت میان اندازه دولت و نرخ بیکاری و نیز علیت یک‌طرفه از اندازه دولت به نرخ بیکاری بود. کریمی پتانلار و همکاران (۱۳۹۴) با استفاده از مدل کریستوپولوس و همکاران (۲۰۰۵) ارتباط اندازه دولت - نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی - و بیکاری در اقتصاد

^۱ Dimitris K. Christopoulos & Efthymios G. Tsionas

^۲ Horst Feldmann

^۳ Christopoulos et al. (2005)

ایران طی دوره ۱۳۹۱-۱۳۵۳ را مورد بررسی قرار دادند. نتایج مدل آستانه‌ای نشان داده است تا وقتی اندازه مخارج دولت کمتر از ۰,۲۴۸۴ باشد، افزایش اندازه مخارج عمرانی دولت باعث کاهش قابل توجه نرخ بیکاری شده، اما پس از حد آستانه‌ای مذکور، اثر اندازه مخارج عمرانی بر کاهش نرخ بیکاری به میزان قابل توجهی کاهش یافته است که می‌تواند از تبعات اثر ازدحامی فعالیت‌های گسترده دولت باشد که فضا را برای بخش خصوصی تنگ‌تر نموده است.

علی‌پور و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه خود به بررسی تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت اندازه دولت بر رشد اشتغال ایران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۵۵ با استفاده از آزمون کرانه‌ها پرداختند. نتایج نشان داده است که اندازه دولت بر اشتغال اثر منفی داشته است. همچنین نتایج الگوی تصحیح خطا بیانگر آن بوده که به میزان ۵۶ درصد از انحراف در مدل، از مسیر بلندمدت خود توسط متغیرهای الگو در هر دوره تصحیح می‌شود. رازینی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی رابطه اندازه دولت و نرخ بیکاری در ایران پرداختند. در این راستا از چندین الگوی خود رگرسیون برداری VAR استفاده شد که شامل متغیرهای اندازه دولت (سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی) و نرخ بیکاری، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه بر حسب مقادیر حقیقی، نرخ تورم و حداقل دستمزد می‌باشد. در این پژوهش از داده‌های سال‌های (۱۳۵۰-۱۳۸۶) سه مدل مختلف برآورد شد و نتایج مدل‌ها نشان داد که افزایش نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم و حداقل دستمزد باعث کاهش نرخ بیکاری و افزایش اندازه دولت موجب افزایش نرخ بیکاری خواهد شد. لذا دولت باید در جهت واگذاری فعالیت‌ها و کاهش تصدی‌گری خود گام بردارد و با جذب سرمایه و مشارکت منابع مالی خارجی و داخلی بیشتر به وظایف حاکمیتی و نظارتی خود بپردازد.

قاسمی بیشه (۱۳۹۰) به بررسی اثر اندازه دولت بر نرخ بیکاری در اقتصاد ۴۷ کشور منتخب با استفاده از داده‌های پانل در دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ به روش GLS پرداخته است. نتایج نشان داده است که رابطه اندازه دولت و نرخ بیکاری به صورت سهمی است، یعنی با افزایش اندازه دولت نرخ بیکاری کاهش می‌یابد اما در یک نقطه مشخص جهت این نمودار تغییر می‌کند و رابطه عکس می‌گردد. اثر مصرف دولت بر نرخ بیکاری منفی می‌باشد.

حسین‌پور (۱۳۸۹) به بررسی اثر اندازه دولت بر روی نرخ بیکاری در اقتصاد ایران با استفاده از داده‌های سالانه در دوره ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۶ به روش آزمون کرانه، مبتنی بر

رویکرد تخمین مدل تصحیح خطای غیر مقید شامل رابطه پویا و رابطه تعادلی بلندمدت پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که اندازه دولت اثر مثبت و معناداری بر روی نرخ بیکاری دارد و برای کاهش نرخ بیکاری باید اندازه دولت در اقتصاد ایران کاهش یابد. با افزایش اندازه دولت در اقتصاد، ازدحام در بخش خصوصی مخصوصاً سرمایه‌گذاری خصوصی کاهش می‌یابد؛ در نتیجه رشد بهره‌وری و رقابت بین‌المللی کاهش می‌یابد و نرخ بیکاری افزایش می‌یابد.

در یک جمع بندی کلی می‌توان بیان کرد که عموم تحقیقات داخل کشور تنها به بررسی وضعیت ایران از طریق مطالعات سری زمانی پرداخته‌اند و تفاوت رابطه بین دو متغیر اندازه دولت و نرخ بیکاری را بین کشورها با وضعیت متفاوت توسعه یافتگی بررسی نکرده‌اند. در میان تحقیقات خارجی نیز تنها یک تحقیق به بررسی این موضوع پرداخته که در آن همانند بقیه مطالعات بین کشوری پویایی‌های رابطه بین اندازه دولت و نرخ بیکاری در کوتاه‌مدت و بلندمدت بررسی نشده است. از این رو تحقیق حاضر سعی دارد با گردآوری داده‌های ایران و کشورهای جهان و همچنین تقسیم‌بندی کشورها به توسعه‌یافته و در حال توسعه اثرات سطح توسعه یافتگی همراه با تفکیک اثرات کوتاه-مدت و بلندمدت بررسی نماید.

۳. الگوی تحلیلی و طراحی مدل

جامعه آماری تحقیق حاضر، کشورهای جهان به تفکیک کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است. روش نمونه‌گیری، روش حذف سیستماتیک کشورهایی است که دسترسی به داده‌های آن میسر نبوده. با توجه به کمبود داده‌های بین کشوری و به خصوص نقصان داده‌های دستمزد، نیاز است در ابتدا تمامی کشورها به عنوان نمونه انتخاب شوند و بعد از جمع‌آوری داده‌های تمامی کشورها، کشورهایی که داده‌های مناسب با گسترده زمانی کافی برای تحلیل پویایی‌های زمانی را دارند در نمونه باقی می‌مانند.^۱

برای بررسی اثر اندازه دولت بر نرخ بیکاری از مدلی که توسط کریستوپولس و همکاران (۲۰۰۲ و ۲۰۰۵) ارائه شد استفاده می‌شود که به صورت زیر می‌باشد:

۱. کشورهای توسعه یافته: استرالیا، اتریش، کانادا، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایتالیا، ژاپن، نروژ، اسپانیا، ایالات متحده آمریکا، انگلیس، سوئیس.

کشورهای در حال توسعه: ایران، کلمبیا، مجارستان، اندونزی، مالزی، مکزیک، پرو، فیلیپین، لهستان، اسلوانی، تایلند

$$U_{i,t} = \alpha + \beta G_{i,t} + \lambda X_{i,t} + v_{i,t}$$

در مدل فوق i بیانگر مقطع و t بیانگر زمان است. U نرخ بیکاری (به درصد)، G اندازه دولت (به شکل سهم دولت به کل تولید ناخالص داخلی) و بردار X در بردارنده متغیرهای کنترلی است. وانگ و آبرامز (۲۰۱۱) پیشنهاد می‌دهند که حداقل دستمزد واقعی به مدل اضافه شده و به شکل درصدی از متوسط دستمزد لحاظ شود. آن‌ها بحث می‌کنند که در حداقل دستمزد بالا انتظار بر این است که نرخ پیدا کردن کار کاهش یابد. از این رو با فرض ثابت بودن سایر شرایط نرخ بیکاری افزایش خواهد یافت. بنابراین برای بیان رابطه بین اندازه دولت و نرخ بیکاری علاوه بر متغیر اندازه دولت و نرخ بیکاری، سایر متغیرهای مهم کلان که بر اساس مبانی نظری، بر نرخ بیکاری تأثیرگذار هستند نیز در مدل گنجانده می‌شوند. همچنین بر اساس تحقیقات کریستوپولوس و همکاران (۲۰۰۵ و ۲۰۰۲) و آبرامز (۲۰۱۱) متغیرهای کنترلی تحقیق به صورت زیر معرفی می‌شوند:

متوسط دستمزد واقعی RW (به دلار ثابت ۲۰۰۵)، Y تولید ناخالص داخلی (به دلار ثابت ۲۰۰۵)، و CPI سطح عمومی قیمت‌ها (شاخص قیمت مصرف‌کننده) است. البته در این پژوهش از لگاریتم طبیعی متغیرها در مدل استفاده می‌شود. در نهایت الگوی تحلیلی برای مطالعه تأثیر متغیرهای مستقل اصلی و فرعی، بر متغیر وابسته به شکل زیر تصریح می‌گردد.

$$Lu_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 LY_{i,t} + \beta_2 LG_{i,t} + \beta_3 LCPI_{i,t} + \beta_4 LRW_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

۴. برآورد مدل و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. آزمون مانایی در داده‌های پانل

روش‌های معمول اقتصادسنجی در تحقیقات تجربی، با فرض مانایی متغیرهای مورد مطالعه بکار می‌رود؛ باید توجه نمود که امکان ساختگی بودن برآورد با متغیرهای ناماننا وجود دارد و استناد به نتایج چنین برآوردهایی دلالت‌های گمراه‌کننده‌ای خواهد داشت (بالتاجی، ۲۰۰۵). از این رو قبل از استفاده از داده‌ها لازم است از مانایی و نامانایی آن‌ها اطمینان حاصل کرد. جهت بررسی مانایی متغیرها از آزمون‌های لوین، لین و چو^۱، ایم، پسران و شین^۲ استفاده شده است. که نتایج به تفکیک کشورهای در حال توسعه و

^۱. Levin, Lin & Chu (2002)

^۲. Im, Pesaran & Shin (2003)

توسعه یافته با در نظر گرفتن عرض از مبدأ گزارش شده است. که در بخش پیوست آورده می‌شود.

نتایج گزارش شده در جدول‌های (۲۱) پیوست، نشان می‌دهد که فرضیه مانا بودن متغیرهای تحقیق در سطح رد می‌شود اما تفاضل اول همه متغیرها به غیر از نرخ بیکاری در کشورهای در حال توسعه مانا هستند. با توجه به اینکه در شرایط نامانا بودن متغیرهای مدل، احتمال ایجاد رگرسیون ساختگی وجود دارد، بنابراین برای اطمینان از عدم وجود رگرسیون کاذب باید رابطه هم‌جمعی بین متغیرهای تحقیق تأیید شود. دو آزمون هم‌جمعی به عنوان یک پیش‌آزمون قابل استفاده است به این ترتیب تنها در شرایط هم‌جمعی متغیرها می‌توان به نتایج اعتماد کرد.

۴-۲. آزمون هم‌جمعی

مهم‌ترین نکته در تجزیه و تحلیل‌های هم‌انباشتگی، آن است که با وجود غیر ایستابودن اغلب سری‌های زمانی و داشتن یک روند تصادفی افزایشی یا کاهشی در بلندمدت ممکن است که یک ترکیب خطی از این متغیرها همواره ایستا و بدون روند باشند. با استفاده از تجزیه و تحلیل‌های هم‌انباشتگی این روابط بلندمدت کشف می‌شوند (ابریشمی، ۱۳۸۱). همانند سری‌های زمانی، بررسی وجود هم‌انباشتگی متغیرها در داده‌های پانلی نیز مهم است. آزمون‌های هم‌انباشتگی پانلی دارای قدرت و اعتبار بیشتری نسبت به آزمون‌های هم‌انباشتگی برای هر مقطع به صورت جداگانه است. این آزمون‌ها حتی در شرایطی که دوره زمانی کوتاه‌مدت و اندازه نمونه نیز کوچک باشد قابلیت استفاده را دارند (بالتاجی، ۲۰۰۵).

در داده‌های پانل برای آزمون هم‌جمعی، از آزمون پدرونی، آزمون کائو و آزمون فیشر استفاده می‌شود. از آنجا که در میان آزمون‌های هم‌جمعی پانل، آزمون پدرونی در نمونه‌های محدود قدرت بیشتری دارد (اورسال^۱، ۲۰۰۹)، در این پژوهش برای بررسی رابطه هم‌جمعی بین متغیرهای مدل از آزمون‌های پدرونی استفاده شده است، هر چند نتایج آزمون کائو تأیید کننده نتایج این آزمون است. در این دو آزمون، فرض صفر بیانگر عدم وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل است. نتایج این آزمون‌ها در جداول ۳ و ۴ پیوست گزارش شده است.

^۱. Orsal

بر اساس نتایج جدول (۳) چهار آماره از هفت آماره پدرونی برای کشورهای توسعه‌یافته وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل را تأیید می‌کند. و برای کشورهای درحال توسعه دو آماره نشان می‌دهد که رابطه هم‌انباشتگی وجود دارد. و نتایج آزمون کائو که در جدول (۴) پیوست گزارش شده است بیانگر وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل در هر دو گروه از کشورها می‌باشد.

در ادامه جهت مشخص کردن روش تخمین از دو آزمون لیمر^۱ و هاسمن^۲ استفاده می‌شود. نتایج آزمون لیمر نشان می‌دهد که مدل مورد استفاده داده‌های تلفیقی است یا پانل. آزمون هاسمن برای تعیین این که مدل پانل با اثرات ثابت برآورد شود یا پانل با اثرات تصادفی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳-۴. نتایج برآورد برای کشورهای در حال توسعه

براساس آنچه در جدول (۱) برای آزمون‌های F لیمر و هاسمن آمده الگوی کشورهای در حال توسعه مدل یک مدل پانل با اثرات تصادفی است. نتایج حاصل از تخمین با این روش در جدول (۲) نشان داده شد.

جدول ۱. نتایج آزمون‌های تشخیصی لیمر و هاسمن

معنی داری	آماره	آزمون
۰,۰۰۰	۹۰,۰۱۳	F لیمر
۰,۲۸۱	۵,۰۵۲۷۱	هاسمن

منبع: نتایج تحقیق جاری

جدول ۲. نتایج حاصل از برآورد ضرایب با اثر تصادفی

برای کشورهای در حال توسعه (متغیر وابسته Lu)

احتمال	آماره t	ضرایب	متغیرها
۰,۰۰۱	۳,۳۲۸	۱۶,۰۴۵۳	C
۰,۰۰۶	-۲,۷۷۸	-۰,۰۷۰	Lg
۰,۰۱۶	۲,۴۳۶	۰,۳۶۰	Lcpi
۰,۰۰۹	-۲,۶۲۹	-۰,۲۷۴	Lrw
۰,۰۰۷	-۲,۶۹۰	-۰,۵۵۸	Ly
احتمال	آماره		F
۰,۰۰۰	۹,۶۷۹		

منبع: نتایج تحقیق جاری

^۱. Leamer Test

^۲. Hausman Test

با توجه به ضرایب متغیرها و سطح معناداری در جدول فوق، اندازه دولت، متوسط دستمزد واقعی و تولید ناخالص داخلی در یک الگوی تعادلی بلندمدت رابطه منفی و معنادار و سطح عمومی قیمت‌ها رابطه مثبت و معناداری با نرخ بیکاری دارند. مخارج بیشتر دولت در کشورهای در حال توسعه باعث کاهش بیکاری می‌شود. این ممکن است به دلیل این باشد که در کشورهای در حال توسعه بخش قابل توجهی از استخدام نیروی انسانی در اختیار دولت است. در واقع دولت در واکنش به بیکاری بالا، با استخدام بیشتر نیروی کار باعث افزایش مخارج خود می‌شود. در عین حال می‌توان گفت به دلیل ضعیف بودن زیرساخت‌ها در کشورهای در حال توسعه مخارج بیشتر دولت‌ها باعث تقویت شرایط کار آفرینی و اشتغال می‌شود. در واقع هر دو پدیده ذکر شده در کشورهای در حال توسعه بسته به شرایط اتفاق می‌افتد و باعث به وجود آمدن رابطه منفی مخارج دولت بر نرخ بیکاری می‌شود. رابطه منفی دستمزد با نرخ بیکاری نشان می‌دهد که در بازار کار کشورهای در حال توسعه این منحنی‌های تقاضای کار هستند که جابجا می‌شوند. در واقع به علت بالا بودن نرخ بیکاری بخش تولید در اقتصاد بیشتر از عرضه کنندگان نیروی کار تعیین کننده نرخ‌های بیکاری و دستمزد هستند.

طبق بسیاری از مطالعات انجام شده، بین حداقل دستمزد واقعی و بیکاری رابطه مثبت وجود دارد این پدیده می‌تواند به این علت باشد که با افزایش دستمزدهای واقعی هزینه تولید افزایش یافته و از میزان به کارگیری نیروی کار کاسته می‌شود (مهرگان ۱۳۹۰). با این حال امکان بروز رابطه منفی بین حداقل دستمزد واقعی و بیکاری وجود دارد (جیبری و کنان^۱ ۱۹۸۲)، دلیل وجود چنین رابطه‌ای را می‌توان از چند نظر تحلیل کرد: اول اینکه طبق منحنی فیلیپس با افزایش دستمزدها میزان بیکاری کاهش می‌یابد، چراکه با کاهش عرضه نیروی کار، دستمزدها افزایش می‌یابد. دوم اینکه، این وضعیت بیانگر کشش بالای منحنی عرضه نیروی کار نسبت به منحنی تقاضای نیروی کار است که موجب می‌شود با افزایش دستمزدها اشتغال نیز افزایش یابد (جان کنان^۲ ۱۹۸۸). دلیل سوم اینکه، امکان دارد با رشد بهره‌وری نیروی کار دستمزدهای واقعی نیز رشد کند. یعنی دلیل افزایش دستمزدهای واقعی رشد بهره‌وری نیروی کار است در این صورت رشد اشتغال دور از ذهن نخواهد بود (جیمز هومن^۳ ۱۹۸۴). چهارمین دلیل

^۱ Patrick T. Geary, John Kennan (1982)

^۲ John Kennan (1988)

^۳ James G. Hoehn (1984)

اینکه، سیاست‌های پولی اجرا شده توانسته است موجب رشد دستمزدها و اشتغال در جهت موافق را باعث شود، یعنی اجرای این سیاست‌ها در طی زمان موجب شده است هم اشتغال و هم دستمزدها رشد کنند (مسینا و همکاران ۲۰۰۹).

۴-۴. نتایج برآورد برای کشورهای توسعه یافته

همانطور که در جدول (۳) آمده است با رد فرض صفر در آزمون F لیمر می‌توان مدل پانل را در مقابل روش تلفیق داده‌ها پذیرفته می‌شود و بر اساس نتایج آزمون هاسمن و رد شدن فرض صفر، پیشنهاد می‌شود که مدل با اثرات ثابت برآورد شود. لذا در جدول (۴) نتایج برآورد به روش اثرات ثابت خواهد آمد.

جدول ۳. نتایج آزمون‌های تشخیصی لیمر و هاسمن

معنی داری	آماره	آزمون
۰,۰۰۰	۲۲,۸۲۷	F لیمر
۰,۰۰۰	۴۷,۹۷۷	هاسمن

منبع: نتایج تحقیق جاری

جدول ۴. نتایج حاصل از برآورد ضرایب با روش اثرات ثابت

برای کشورهای توسعه یافته (متغیر وابسته Lu)

معناداری	آماره t	ضرایب	متغیرها
۰,۰۰۰	۷,۶۵۵	۵۶,۶۴۷	c
۰,۰۲۹	۲,۱۹۰	۰,۸۲۱	Lg
۰,۰۰۰	۷,۷۳۶	۱,۹۷۸	Lcpi
۰,۱۳۶	۱,۴۹۵	۰,۶۰۶	Lrw
۰,۰۰۰	-۵,۲۰۹	-۲,۰۳۱	Ly
احتمال	آماره	F	
۰,۰۰۰	۵۸,۶۲۹		

منبع: نتایج تحقیق جاری

نتایج جدول نشان می‌دهد که اندازه دولت در کشورهای توسعه یافته رابطه مستقیم و معناداری با بیکاری دارد یعنی در ساختار کشورهای توسعه یافته که عموماً اقتصادهای بازار آزاد هستند دخالت دولت باعث کاهش اشتغال می‌گردد. از آنجا که در اقتصاد کشورهای لیبرال عموم بخشهای اقتصادی در اختیار بخش خصوصی است، ورود دولت

¹. Messina&et.al. (2009)

به اقتصاد دارای اثر برون‌رانی یا جانشینی جبری است و علاوه بر آن کارایی بخش خصوصی را کاهش داده و باعث تضعیف عملکرد آن می‌گردد. تغییرات دستمزدها اثر معناداری بر اشتغال ندارد. اما مطابق با تئوری اقتصادی تولید اثر معکوس و معناداری بر بیکاری دارد. رابطه مستقیم بین سطح قیمت‌ها و بیکاری تأیید کننده وجود یک منحنی فیلیپس بلند مدت با لحاظ انتظارات تورمی بیش از تورم واقعی است.

۴-۵. مدل تصحیح خطا^۱

مرحله بعدی تحلیل آماری یافته‌های تحقیق حاضر، بکارگیری یک روش تصحیح خطا برای داده‌های تابلویی است. با داده‌های تابلویی هم جمع می‌توان یک مدل ECM را برای بررسی علیت بین متغیرها (پس‌ران و همکاران، ۱۹۹۹) و پویایی‌های کوتاه‌مدت مدل (وسترلاند، ۲۰۰۷) بکار برد. ساز و کار تصحیح خطا یک فرآیند تعدیل است که حرکت پویای دو یا چند متغیر را با رابطه تعادلی آن‌ها جمع می‌کند. به عبارت دیگر محققین از جمله کندی (۱۹۹۲) و اندر (۱۹۹۳) معتقدند که برای بررسی رابطه دو یا چند متغیر، مدلی ساخته شود که عوامل بلندمدت و کوتاه‌مدت را جمع کند که به چنین مدلی که هم در برگیرنده عوامل بلندمدت و هم کوتاه‌مدت باشد مدل تصحیح خطا یا (ECM) می‌گویند. که تغییرات $y_{i,t}$ (یعنی $\Delta x_{i,t}$) و نیز مقدار عدم تعادل دوره قبل از مسیر بلندمدت توضیح داده می‌شود.

اگر داشته باشیم:

$$y_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 x_{i,t} + u_{i,t} \quad (1)$$

$$u_{i,t} = y_{i,t} - \beta x_{i,t} \quad (2)$$

مدل ECM به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\Delta y_{i,t} = \alpha \Delta x_{i,t} + \gamma (y_{i,t-1} - \beta x_{i,t-1}) + e_{i,t} \quad (3)$$

که در آن $\Delta x_{i,t}$ اختلالات کوتاه مدت را برای y توضیح می‌دهد، در حالی که جمله تصحیح خطا $(y_{i,t-1} - \beta x_{i,t-1})$ یعنی $u_{i,t-1}$ تعدیل به سمت حالت پایدار را منعکس می‌سازد.

در پژوهش حاضر با توجه به تأیید رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل براساس آزمون‌های هم‌جمعی در این قسمت به برآورد مدل تصحیح خطا پرداخته می‌شود. بدین منظور بعد از تخمین رابطه بلندمدت، پسماند مدل یا (ECT) را بدست آورده تا با

^۱. Error Correction Model

^۲. Westerlund

تخمین مدل (۴) سرعت تعدیل خطای کوتاه مدت به سمت مقدار تعادلی بلندمدت مشخص شود.

$$\Delta lu = \alpha + \beta_1 \Delta lg + \beta_2 \Delta lcp_i + \beta_3 \Delta lrw + \beta_4 \Delta ly + \gamma ECT(-1) \quad (4)$$

نتایج حاصل از مدل تصحیح خطا برای کشورهای در حال توسعه در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۵. نتایج مدل تصحیح خطا برای کشورهای در حال توسعه

$$dlu = -0.005dLg - 0.142dLcpi - 0.061dLrw - 1.726dLy - 0.071ect(-1) + 0.048$$

(t=-0.21) (t=-0.40) (t=-0.53) (t=-3.14) (t=-3.75) (t=1.58)

(P=0.82) (P=0.68) (P=0.59) (P=0.00) (P=0.00) (P=0.11)

منبع: نتایج تحقیق جاری

با توجه به نتایج جدول فوق همانطور که در قسمت قبل بر اساس آزمون هم انباشتگی نیز گفته شد، یک تعادل بلندمدت بین متغیرهای الگوی تحقیق وجود دارد. هر خروج از تعادل بلندمدت با نرخ ۷ درصد در هر سال تصحیح می شود. این نشان می دهد در کشورهای در حال توسعه رابطه متغیرهای توضیح دهنده بیکاری، یک رابطه بلندمدت است. به نحوی که تنها نیمی از اثر بلندمدت تغییر در متغیر مستقل بعد از ۹ دوره روی متغیر وابسته مشاهده می شود. یعنی تغییر در بیکاری یک فرآیند بلندمدت بوده و مثلاً یک تغییر ده درصدی در اندازه دولت باعث ۸ درصد تغییر در بیکاری می شود. اما بعد از ۹ دوره تنها ۴ درصد از این تغییر در بیکاری دیده می شود. اندازه دولت رابطه منفی اما بی معنا با نرخ بیکاری دارد در حالی که در بلندمدت این رابطه منفی و معنادار بوده است. تولید ناخالص داخلی در هر دو دوره رابطه منفی و معنادار با نرخ بیکاری دارد. اما حداقل دستمزد واقعی رابطه بی معنا با نرخ بیکاری در کوتاه مدت را نشان می دهد. سطح عمومی قیمت ها نیز رابطه منفی و بی معنا با نرخ بیکاری دارد. اما در بلندمدت این رابطه مثبت و معنادار بوده است. از آنجا که این ضرایب اثرات آنی متغیرهای ذکر شده روی بیکاری هستند؛ می توان گفت که در کوتاه مدت تنها تعیین کننده بیکاری، تولید و جمله ی عدم تعادل الگو است. به عبارت دیگر در کوتاه مدت تغییر در دستمزد و قیمت ها و مخارج دولت تاثیری روی بیکاری ندارند و تنها در بلندمدت از طریق برهم زدن رابطه تعادلی و تأثیر روی متغیر تصحیح خطا باعث تغییر در مقدار بیکاری می شوند.

همچنین نتایج حاصل از مدل تصحیح خطا برای کشورهای توسعه یافته به شکل زیر

برآورد شده است:

جدول ۶. نتایج مدل تصحیح خطا برای کشورهای توسعه یافته

$$dlu = +0,042 \text{ect}(-1) - 0,17dLy - 2,674dLy - 0,452dLrw - 0,040dLcpi + 0,890dLg$$

(t=۲,۷۵) (t=-۳,۸۰) (t=-۵,۴۸) (t=-۰,۹۶) (t=۰,۰۶) (t=۲,۰۹)

(P=۰,۰۰) (P=۰,۰۰) (P=۰,۰۰) (P=۰,۳۳) (P=۰,۹۵) (P=۰,۰۳)

منبع: نتایج تحقیق جاری

همانطور که نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد، نرخ تعدیل عدم تعادل‌های کوتاه‌مدت به سمت تعادل بلندمدت برای کشورهای توسعه یافته بیشتر است و متغیر نرخ بیکاری سریع‌تر به سوی مقدار تعادلی بلندمدت خود حرکت خواهد کرد. ۱۷ درصد از هر عدم تعادل در هر دوره اصلاح می‌شود. به طوری که پس از گذشت ۳,۵ سال نیمی از عدم تعادل اصلاح شده است. این پدیده شاید به دلیل نهادها و ساختار پویا در کشورهای توسعه یافته باشد. همچنین همانند نتایجی که در کشورهای در حال توسعه مشاهده شد، تغییرات در تولید اثر معکوس و معنی داری بر تغییرات در بیکاری در کوتاه‌مدت دارد. این نتیجه مطابق با تئوری اقتصاد است. بر خلاف کشورهای در حال توسعه، در کشورهای توسعه یافته تغییرات اندازه دولت تأثیر مثبت و معناداری بر تغییرات بیکاری دارد. این تأیید کننده این موضوع است که دولت‌های کشورهای در حال توسعه حتی در کوتاه‌مدت می‌توانند بازارهای کار را تحت تأثیر قرار دهند. ضریب مربوط به قیمت‌ها و دستمزدها مانند کشورهای در حال توسعه بی معنی است. در واقع این دو متغیر در کوتاه‌مدت تأثیر معناداری بر تغییرات بیکاری ندارند.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مشکل ناشی از پدیده بیکاری و عدم اشتغال علاوه بر این که مشکلات اقتصادی را به دنبال دارد، منشأ بروز اختلالات رفتاری و کرداری در سطح جامعه و همچنین بروز تنش‌های سیاسی می‌گردد که سلامتی یک جامعه را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد. از این رو تلاش برای شناسایی عواملی که منجر به بیکاری می‌شوند و ارائه راهکارهایی مناسب برای رفع این مشکل باید از دغدغه‌های مسئولان هر کشوری باشد. در این راستا، این پژوهش نقش و اندازه دولت را یکی از عوامل اثرگذار بر نرخ بیکاری معرفی کرده است. بر اساس داده‌های سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۰ برای کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه با مدل اقتصادسنجی پانل دیتا و مدل تصحیح خطا نشان

داده است که رابطه بلندمدت بین این دو متغیر در هر دو گروه کشور وجود دارد. اما این رابطه برای کشورهای در حال توسعه، منفی و معنادار و برای کشورهای توسعه یافته مثبت و معنادار است اما در کوتاه‌مدت اندازه دولت در کشورهای در حال توسعه تأثیر معناداری بر بیکاری ندارد. روند اصلاح عدم تعادل‌های کوتاه‌مدت تا تعادل بلندمدت در دو گروه از کشورها متفاوت است. عدم تعادل‌ها در کشورهای توسعه‌یافته سریع‌تر اصلاح می‌شوند. با توجه به سرعت تعدیل و همچنین بی‌معنی بودن اثر کوتاه‌مدت اندازه دولت بر بیکاری می‌توان ادعا کرد که سرعت تعدیل در کشورهای در حال توسعه آنقدر کم است که نمی‌توان انتظار داشت دولت با سیاست‌گذاری بتواند تأثیر قابل توجه کوتاه‌مدتی بر بیکاری بگذارد. در کشورهای توسعه یافته نیز با توجه به اثر منفی و معنادار در کوتاه‌مدت و بلندمدت، و با توجه به تأیید اثر جانشینی جبری و کاهش انگیزه بخش خصوصی دخالت بیشتر دولت باعث افزایش بیکاری می‌گردد. در نتیجه می‌توان ادعا نمود که در هر دو گروه کشورها اندازه دولت تأثیر مثبت کوتاه‌مدتی بر بیکاری ندارد. گسترش دولت ممکن است مقررات فشرده‌ای به همراه داشته باشد که توانایی بازار کار برای عمل در یک روش کارآمد را کاهش دهد. علاوه بر این دولت به احتمال زیاد فعالیت‌های قانونی اضافی در بازار کار را به عنوان ابزار به حداکثر رساندن عوامل سیاسی بدنبال به تعادل رساندن هزینه‌های دستیابی به اهداف حاشیه‌ای بوجود می‌آورد. در بلندمدت سطح حداقل دستمزد تنها در کشورهای در حال توسعه رابطه منفی و معناداری با بیکاری دارد. اما این رابطه در کوتاه‌مدت وجود ندارد. این نشان می‌دهد که در کشورهای در حال توسعه عامل غالب تغییر در بیکاری و دستمزدها تغییر در تابع تقاضای نیروی کار است. در کشورهای توسعه یافته رابطه معنی‌داری بین دستمزدها و بیکاری در بلندمدت و کوتاه‌مدت وجود ندارد. تولید، هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت در هر دو گروه کشورها رابطه منفی و معناداری با بیکاری دارد. در واقع می‌توان گفت تنها مسیر قابل اعتماد در دوره‌های زمانی کوتاه و بلندمدت، برای بهبود وضعیت بیکاری در هر دو گروه کشورها، اصلاح و تقویت طرف عرضه اقتصاد (و تقاضای نیروی کار) با کمترین دخالت دولت است.

فهرست منابع:

ابراهیمی، سهند (۱۳۹۰)، کار شایسته، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

حسین پور، عبدالکریم (۱۳۸۹)، اثر اندازه دولت بر نرخ بیکاری در اقتصاد ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

حیدری حسن، پروین، سهیلا، و فاضلی، محمد (۱۳۸۹)، رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی: مطالعه موردی کشورهای عضو اوپک حاشیه خلیج فارس، اقتصاد مقداری، ۷(۳): ۴۳-۶۶.

دادگر، یدالله، و نظری، روح الله (۱۳۹۱)، آزمون قانون واگنر در کشورهای منتخب و ایران (۲۰۱۰-۱۹۸۰)، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۲(۶): ۱۴۹-۱۷۲.

رازینی، ابراهیم علی، سوری، امیررضا و تشکینی، احمد (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بلندمدت اندازه دولت و نرخ بیکاری در ایران، پژوهشنامه اقتصادی، ۴۳: ۱۹۹-۲۱۸.

علی پور، بهزاد، پدرام، مهدی، و مجدمی، سهیلا (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت اندازه دولت بر رشد اشتغال ایران طی سال‌های (۱۳۹۰-۱۳۵۵)، فصلنامه علمی و پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۴(۱۴): ۶۳-۷۴.

قاسمی‌بیشه، مصطفی (۱۳۹۰)، بررسی اثر اندازه دولت بر نرخ بیکاری تأکید بر کشورهای منتخب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس تهران.

کریمی پتانلار، سعید، نادمی، یونس و هدی، زبیری (۱۳۹۴)، اندازه دولت و بیکاری در ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۵(۱۸): ۶۴-۵۱.

مهرگان، نادر، حقانی، محمود، و سالار، عبدالهی حق (۱۳۹۰)، افزایش قیمت حامل‌های انرژی و بیکاری در بخش صنعت، فصلنامه اقتصاد کاربردی، ۲(۴): ۷۹-۱۰۳.

Feldmann, H. (2006), Government size and unemployment: Evidence from industrial countries, *Public Choice*, 127(3-4): 443-459.

Feldmann, H. (2010), Government size and unemployment in developing countries, *Applied Economics Letters*, 17(3): 289-292.

Abrams, B. A. and S. Wang (2007), The Effect of Government Size on the Steady-State Unemployment Rate: An Error Correction Model (No. 07-14).

Christopoulos, D. K., Loizides, J., and E. G. Tsionas (2005), The Abrams curve of government size and unemployment: evidence from panel data, *Applied Economics*, 37(10): 1193-1199.

Abrams, B. A. (1999), The effect of government size on the unemployment rate, *Public Choice*, 99(3-4): 395-401.

Christopoulos, D. K. and E. G. Tsionas (2002), Unemployment and government size: Is there any credible causality?, *Applied Economics Letters*, 9(12): 797-800.

Wang, S. and B. A. Abrams (2011), The Effect of Government Size on the Steady-State Unemployment Rate: A Dynamic Perspective (No. 11-12).

- Yongjin, S. (2011), Government size, economic growth and unemployment: Evidence from advanced and developing economy countries (a time series analysis, 1996–2006), *International Review of Public Administration*, 16(2): 95-116.
- Alesina, A., Ardagna, S. and R. Perotti (1997), The welfare state and competitiveness, *American Economic Review*, 87(5): 921-939.
- Alesina, A., Ardagna, S., Perotti, R., and F. Schiantarelli (1999), Fiscal policy, profits, and investment (No. w7207), National Bureau of Economic Research.
- Feldstein, M. and J. Poterba (1984), Unemployment insurance and reservation wages, *Journal of Public Economics*, 23(1): 141-167.
- Scully, G. W. (1989), The size of the state, economic growth and the efficient utilization of national resources, *Public choice*, 63(2): 149-164.
- Hall, R. E. (1979), A theory of the natural unemployment rate and the duration of employment, *Journal of Monetary Economics*, 5(2): 153-169.
- Karras, G. (1993), Employment and output effects of government spending: is government size important?, *Economic Inquiry*, 31(3): 354-369.
- Örsal, D. D. K. (2009), Essays on panel cointegration testing (Doctoral dissertation, Humboldt-Universität zu Berlin, Wirtschaftswissenschaftliche Fakultät).
- Pesaran, M. H., Shin, Y. and R. P. Smith (1999), Pooled mean group estimation of dynamic heterogeneous panels, *Journal of the American Statistical Association*, 94(446): 621-634.
- Seyyedi, M., Ahangari, A. and A. Esfandiari (2014), The effect of government size on labor productivity in member countries of OPEC, *Asian Journal of Research in Business Economics and Management*, 4(12): 239-246.
- Messina, J., Strozzi, C. and J. Turunen (2009), Real wages over the business cycle: OECD evidence from the time and frequency domains, *Journal of Economic Dynamics and Control*, 33(6): 1183-1200.
- Westerlund, J. (2007), Testing for error correction in panel data, *Oxford Bulletin of Economics and statistics*, 69(6): 709-748.
- Westerlund, J. and D. L. Edgerton (2008), A simple test for cointegration in dependent panels with structural breaks, *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, 70(5): 665-704.

پیوست:

جدول ۱. نتایج آزمون‌های ریشه واحد پانلی برای کشورهای منتخب در حال توسعه با در نظر گرفتن عرض از مبدأ

روش آزمون متغیر	Levin, Lin & Chu t*				Im, Pesaran and Shin W-stat			
	آماره	احتمال	نتیجه		آماره	احتمال	نتیجه	
Lu dlu d ² lu	۰,۶۶	۰,۷۴	نامانا	I(1)	۱,۷۵	۰,۹۶	نامانا	I(2)
	-۲,۲۶	۰,۰۱	مانا		-۱,۲۸	۰,۰۹	نامانا	
lg dlg	-۱,۳۳	۰,۰۹	نامانا	I(1)	-۰,۶۶	۰,۲۵	نامانا	I(1)
	-۵,۱۸	۰,۰۰	مانا		-۳,۱۴	۰,۰۰	مانا	
ly dly	-۰,۸۴	۰,۲۰	نامانا	I(1)	۱,۴۲	۰,۹۲	نامانا	I(1)
	-۴,۷۷	۰,۰۰	مانا		-۲,۵۶	۰,۰۰	مانا	
lcpi dlcpi	-۰,۰۲	۰,۴۸	نامانا	I(1)	۴,۱۴	۱,۰۰	نامانا	I(1)
	-۵,۷۹	۰,۰۰	مانا		-۳,۵۳	۰,۰۰	مانا	
lrw dlrw	-۱,۱۴	۰,۱۲	نامانا	I(1)	۱,۹۴	۰,۹۷	نامانا	I(1)
	-۶,۸۷	۰,۰۰	مانا		-۳,۱۲	۰,۰۰	مانا	

منبع: نتایج تحقیق جاری (در سطح معناداری ۰,۰۵)

جدول ۲. نتایج آزمون‌های ریشه واحد پانلی برای کشورهای منتخب توسعه یافته با در نظر گرفتن عرض از مبدأ

روش آزمون متغیر	Levin, Lin & Chu t*				Im, Pesaran and Shin W-stat			
	آماره	احتمال	نتیجه		آماره	احتمال	نتیجه	
Lu dlu d ² lu	-۱,۴۳	۰,۰۷	نامانا	I(1)	-۱,۱۷	۰,۱۱	نامانا	I(1)
	-۴,۶۷	۰,۰۰	مانا		-۲,۵۳	۰,۰۰	مانا	
lg dlg	-۲,۱۵	۰,۰۱	نامانا	I(1)	-۱,۱۸	۰,۱۱	نامانا	I(1)
			مانا		-۲,۸۹	۰,۰۰	مانا	
ly dly	-۴,۰۷	۰,۰۰	مانا	I(0)	۰,۴۰	۰,۶۵	نامانا	I(1)
					-۱,۹۵	۰,۰۲	مانا	

lcp dlcpi	-۰,۶۷ -۴,۸۸	۰,۲۵ ۰,۰۰	نامانا مانا	I(1)	۴,۰۴ -۳,۱۱	۱,۰۰ ۰,۰۰	نامانا مانا	I(1)
lrw dlrw	-۳,۴۶	۰,۰۰	مانا	I(0)	۰,۴۲ -۱,۶۰	۰,۶۶ ۰,۰۵	نامانا مانا	I(1)

منبع: نتایج تحقیق جاری (در سطح معناداری ۰,۰۵)

جدول ۳. نتایج آزمون هم‌انباشتگی پانلی پدرونی باعرض از مبدأ

کشورهای منتخب در حال توسعه		کشورهای منتخب توسعه یافته		
آماره آزمون	t – statistic	احتمال	t – statistic	احتمال
Panel PP-Statistic	-۴,۴۳	۰,۰۰	-۶,۰۲	۰,۰۰
Panel ADF-Statistic	-۳,۱۰	۰,۰۰	-۰,۹۲	۰,۰۰
Group PP-Statistic	۵,۹۷	۰,۰۰	-۷,۲۴	۰,۰۰
Group ADF-Statistic	-۳,۲۶	۰,۰۰	۰,۶۰	۰,۰۰

منبع: نتایج تحقیق جاری

جدول ۴. نتایج آزمون هم‌انباشتگی پانلی کائو

کشورهای منتخب در حال توسعه		کشورهای منتخب توسعه یافته		
آماره آزمون	t – statistic	احتمال	t – statistic	احتمال
ADF	-۳,۲۰	۰,۰۰	۱,۹۵	۰,۰۰

منبع: نتایج تحقیق جاری